

۳۴- اعتراف به گناه و درخواست توبه

دعای دوازده صحیفه سجادیه کامله

اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ يَحْجُبُنِيْ عَنْ مَّسْأَلَتِكَ خِلَالِ ثَلَاثٍ، وَتَحْدُوْنِيْ عَلَيْهَا خِلَّةً وَاحِدَةً، يَحْجُبُنِيْ اَمْرٌ اَمَرْتُ بِهِ فَاَبْطَأْتُ عَنْهُ، وَنَهَيْتَنِيْ عَنْهُ فَاَسْرَعْتُ اِلَيْهِ، وَنِعْمَةً اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَصَّرْتُ فِيْ شُكْرِهَا. وَيَحْدُوْنِيْ عَلَيَّ مَسْأَلَتِكَ تَفَضُّلَكَ عَلَيَّ مَنْ اَقْبَلَ بِوَجْهِهِ اِلَيْكَ، وَوَقَّدَ بِحُسْنِ ظَنِّهِ اِلَيْكَ، اِذْ جَمِيعُ اِحْسَانِكَ تَفَضُّلٌ، وَاِذْ كُلُّ نِعْمِكَ اِبْتِدَاءٌ.

خداوندا مسلماً سه خصلت، مرا از درخواست از حضرتت مانع می‌شود و یک خصلت مرا به جانب درخواست از تو پیش می‌برد. آن سه خصلتی که مانع درخواست من می‌باشد این است: کار خوبی که مرا به آن فرمان دادی و من در انجامش کندی کردم؛ کار زشتی که مرا از آن بازداشتی و من در ارتکابش شتاب ورزیدم؛ نعمتی که به من دادی و من در سپاس‌گزاری‌اش کوتاهی کردم. و آنچه مرا به سوی درخواست از تو پیش می‌برد: احسان توست به کسی که با نیت خالص به سوی تو آمد و با خوش‌گمانی‌اش به پیشگاه حضرتت وارد شد؛ زیرا تمام احسانت تفضل و همه نعمت، آغاز و ابتدایی از سوی تو نسبت به آفریده‌هاست.

فَهَا اَنَا ذَا، يَا اِلٰهِيْ وَاقِفٌ بِبَابِ عِزِّكَ وَوُقُوفَ الْمُسْتَسْلِمِ الدَّلِيْلِ، وَسَائِلُكَ عَلَيَّ الْحَيَاءِ مِنْنِيْ سُوْاَلِ الْبَائِسِ الْمُعِيْلِ مُقَرَّرٌ لَكَ بِأَنِّيْ لَمْ اَسْتَسْلِمْ وَقْتُ اِحْسَانِكَ اِلَّا بِالْاِقْلَاعِ عَنْ عِصْيَانِكَ، وَلَمْ اَخُلْ فِي الْحَالَاتِ كُلِّهَا مِنْ اِمْتِنَانِكَ. فَهَلْ يَنْفَعُنِيْ يَا اِلٰهِيْ اِقْرَارِيْ عِنْدَكَ بِسُوءِ مَا اَكْتَسَبْتُ؟

و اینک من، ای خدای من بر درگاه عزّت ایستاده‌ام؛ ایستادن فرمان‌بردار خوار و بر اساس حیا و شرمم از تو درخواست‌کننده‌ام، درخواست‌کننده بی‌نوی عیال‌وار. اقرار دارم به این‌که هنگام احسانت، جز برکنار ماندن از نافرمانی‌ات، فرمانی نبرده‌ام؛ و در تمام حالات از نیکی و احسانت، بی‌ بهره نبوده‌ام. ای معبود من اقرارم نزد تو به زشتی اعمالی که مرتکب شده‌ام، آیا برایم سودی خواهد داشت؟

وَهَلْ يُنْجِيْنِيْ مِنْكَ اِعْتِرَافِيْ لَكَ بِقَبِيْحِ مَا ارْتَكَبْتُ، اَمْ اَوْجَبَتْ لِيْ فِيْ مَقَامِيْ هَذَا سُخْطُكَ، اَمْ لَزِمَنِيْ فِيْ وَقْتِ دُعَائِيْ مَقْتُكَ. سُبْحَانَكَ لَا اَيُّاْسَ مِنْكَ وَقَدْ فَتَحْتَ لِيْ بَابَ التَّوْبَةِ اِلَيْكَ، بَلْ اَقُوْلُ مَقَالَ الْعَبْدِ الدَّلِيْلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ، الْمُسْتَخِفِّ بِعُزْمَةِ رَبِّهِ، الَّذِي عَظُمَتْ ذُنُوْبُهُ فَجَلَّتْ، وَادْبَرَتْ اَيَّامُهُ فَوَلَّتْ.

و اعترافم به محضر حضرتت به بدی کرداری که از من صادر شده، آیا مرا از عذاب تو نجات خواهد داد؟ یا در این وضعی که هستم، خشم و غضبت را بر من حتم و واجب کردی؟ یا در وقت درخواستم، دشمنی‌ات ملازم

من گشته؟! پاک و منزهی، از تو ناامید نمی‌شوم و حال آن‌که در توبه به محضرت را به رویم گشوده‌ای، بلکه سخن می‌گویم، سخن بنده‌ای خوار، بنده‌ای ستم کننده به خویش، بنده‌ای که حرمت پروردگارش را سبک شمرده، بنده‌ای که گناهانش بزرگ شده و روی هم انباشته گشته و روزگارش از او روی گردان شده و به او پشت کرده.

حَتَّىٰ إِذَا رَأَىٰ مَدَّةَ الْعَمَلِ قَدْ انْقَضَتْ، وَغَايَةَ الْعُمْرِ قَدْ انْتَهَتْ، وَآيَقَنَ أَنَّهُ لَامَحِيصَ لَهُ مِنْكَ، وَلَا مَهْرَبَ لَهُ عَنْكَ، تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَةِ وَأَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ، فَقَامَ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ طَاهِرٍ نَقِيٍّ، ثُمَّ دَعَاكَ بِصَوْتٍ حَائِلٍ خَفِيِّ، قَدْ تَطَاطَا لَكَ فَأَنْحَنِي، وَنَكَّسَ رَأْسَهُ فَأَنْثَنِي، قَدْ أَرَعَشْتَ خَشْيَتَهُ رَجُلِيهِ، وَغَرَّقْتَ دُمُوعَهُ خَدَّيْهِ.

تا جایی که چون نظر می‌کند، می‌بیند زمان عمل سپری شده و نهایت عمر به پایان رسیده؛ و یقین می‌کند که برای او گریزگاهی از عذابت و پناهگاهی از کیفرت وجود ندارد. همراه انابه و ناله با حضرتت روبه‌رو می‌شود و بازگشت و توبه را برای تو خالص می‌کند، پس با دلی پاک و پاکیزه در پیشگاهت می‌ایستد؛ سپس با ناله‌ای سوزناک و آهسته تو را می‌خواند، در حالی که در برابرت، سر تواضع و فروتنی پایین انداخته تا جایی که از شدت فروتنی خمیده گشته؛ و از خواری سر به زیر افکنده، به طوری که قامت راستش کج شده؛ بیم و ترسش از عظمت تو، قدم‌هایش را به لرزه انداخته و اشک‌هایش صفحه رخسارش را فراگرفته.

يَدْعُوكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اِئْتَابَهُ الْمُسْتَرْحِمُونَ، وَيَا أَعْطَفَ مَنْ أَطَافَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ، وَيَا مَنْ عَفُوهُ أَكْثَرُ مِنْ نِقْمَتِهِ، وَيَا مَنْ رِضَاهُ أَوْفَرُ مِنْ سَخَطِهِ، وَيَا مَنْ تَحَمُّدٍ إِلَىٰ خَلْقِهِ بِحُسْنِ التَّجَاوُزِ وَيَا مَنْ عَوْدَ عِبَادِهِ قَبُولَ الْإِنَابَةِ، وَيَا مَنْ اسْتَصْلَحَ فَاسَدَهُمْ بِالتَّوْبَةِ وَيَا مَنْ رَضِيَ مِنْ فِعْلِهِمْ بِالْيَسِيرِ، وَيَا مَنْ كَافَأَ قَلِيلَهُمْ بِالْكَثِيرِ، وَيَا مَنْ ضَمِنَ لَهُمْ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ، وَيَا مَنْ وَعَدَهُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ بِتَفْضُلِهِ حُسْنَ الْجَزَاءِ.

تو را با این جملات می‌خواند: ای مهربان‌ترین مهربانان، و ای رحیم‌ترین کسی که درخواست کنندگان رحمت به او توجه می‌کنند و ای بامحبت‌ترین کسی که آمرزش خواهان گرد او گردند و ای آن‌که گذشتش از انتقامش بیشتر و خشنودیش از خشمش افزون‌تر است. و ای آن‌که باگذشت نیکویش ستوده بودنش را به مخلوقش می‌نمایاند؛ و بندگان را به پذیرفتن توبه عادت می‌دهد؛ و اصلاح شدن تباه شده آنان را با توبه به طلب صلاح کشانده است؛ و ای آن‌که از عمل بندگان، به اندکش خشنود است و عمل اندک آنان را پاداش فراوان می‌دهد و ای آن‌که اجابت دعای‌شان را ضامن شده، و به احسانش پاداش نیکو را به آنان وعده داده.

مَا أَنَا بِأَعْصَىٰ مِنْ عَصَاكَ فَعَفَّرْتَ لَهُ، وَمَا أَنَا بِأَلْوَمٍ مِنْ اِعْتَدَرٍ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَ مِنْهُ، وَمَا أَنَا بِأَظْلَمٍ مِنْ تَابٍ إِلَيْكَ فَعُدْتَ عَلَيْهِ. أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةً نَادِمٍ عَلَىٰ مَا فَرَطَ مِنْهُ، مُشْفِقٍ مِمَّا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ، خَالِصِ الْحَيَاءِ مِمَّا وَقَعَ

فِيهِ، عَالِمٌ بِأَنَّ الْعَفْوَ عَنِ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ لَا يَتَعَاظَمُكَ، وَأَنَّ التَّجَاوُزَ عَنِ الْإِثْمِ الْجَلِيلِ لَا يَسْتَصْعِبُكَ، وَأَنَّ احْتِمَالَ الْجَنَائِيَّاتِ الْفَاحِشَةِ لَا يَتَكَادُّكَ، وَأَنَّ أَحَبَّ عِبَادِكَ إِلَيْكَ مَنْ تَرَكَ الْإِسْتِكْبَارَ عَلَيْكَ، وَجَانَبَ الْإِصْرَارَ وَلَزِمَ الْإِسْتِغْفَارَ. وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أَسْتَكْبِرَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُصِرَّ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا قَصَرْتُ فِيهِ، وَأَسْتَغْنِي بِكَ عَلَى مَا عَجَزْتُ عَنْهُ.

من نافرمان‌ترین بندگان نافرمانت نیستم که او را بخشوده باشی، و فرومایه‌ترین کسی نیستم که نزد تو به عذرخواهی پرداخته باشد و تو از او پذیرفته باشی، و من ستمکارترین کسی نیستم که به سوی تو بازگشته و تو باز، بر وی عنایت فرموده باشی. در این مقام و وضعی که هستم، به درگاهت توبه می‌کنم؛ توبه پشیمانی که بی‌اختیار، گناہانی از او سرزده و از آنچه بر سرش آمده، در وحشت و ترس است؛ و از امور زشتی که در آن افتاده، خالصانه شرمگین است. دانایم به این که گذشت از گناه بزرگ، در نظرت بزرگ نمی‌آید؛ و بخشیدن معصیت‌گران بر تو سخت نمی‌باشد؛ و تحمل جنایات زشت و ناپسندی که از مردم بدکار صادر می‌شود، تو را به مشقت و زحمت نمی‌اندازد؛ و آگاهم به این که محبوب‌ترین بندگان نزد تو کسی است که از سرکشی و تکبر نسبت به تو دست بردارد و از پافشاری بر گناه دوری کند و استغفار را بر خود واجب بداند. و من از این که در برابر تو سرکشی کنم، بیزارم؛ و از این که بر گناه پافشاری ورزم، به تو پناه می‌آورم؛ و نسبت به آنچه کوتاهی کردم، از تو آمرزش می‌خواهم؛ و بر آنچه از انجامش ناتوانم، از تو یاری می‌طلبم.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ، وَهَبْ لِيْ مَا يَجِبُ عَلٰى لَكَ، وَعَافِنِيْ مِمَّا اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ، وَاَجِرْنِيْ مِمَّا يَخَافُهُ اَهْلُ الْاِسْءَاءَةِ، فَاِنَّكَ مَلِيٌّ بِالْعَفْوِ، مَرْجُوٌّ لِّلْمَغْفِرَةِ، مَعْرُوْفٌ بِالتَّجَاوُزِ، لَيْسَ لِحَاجَتِيْ مَطْلَبٌ سِوَاكَ، وَلَا لِذَنْبِيْ غَافِرٌ غَيْرُكَ، حَاشَاكَ وَلَا اَخَافُ عَلٰى نَفْسِيْ اِلَّا اِيَّاكَ، اِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوٰى وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَقْضِ حَاجَتِيْ، وَاَنْجِحْ طَلِبَتِيْ، وَاغْفِرْ ذَنْبِيْ، وَاَمِنْ خَوْفَ نَفْسِيْ، اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيْرٌ، اٰمِيْنَ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ.

خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و حقوقی که بر عهده من داری بر من ببخش و از عذابی که از جانب تو سزاوار آنم، مرا به سلامت دار و از اموری که بدکاران از آن می‌ترسند، پناهم ده مسلماً به گذشت از گنهکار قدرت داری و برای آمرزش، مورد امیدی به چشم‌پوشی از گناه معروفی، برای حاجتم محلّ طلبی جز تو نیست و برای گناهم آمرزنده‌ای غیر تو وجود ندارد، حاشا که چنین نباشی. من بر خود به غیر از تو نمی‌ترسم، تو اهل تقوا و آمرزشی، بر محمد و آل محمد درود فرست و حاجتم را روا کن و خواسته‌ام را برآور و گناهم را ببامرز و ترسم را ایمنی ده؛ همانا تو بر هر چیز توانایی و اموری که از تو خواستم، روا کردنش برای تو آسان است؛ دعایم را مستجاب کن، ای پروردگار جهانیان.